

نگاهی به شکل‌گیری کتاب «خون شریک» از انتشارات خط مقدم

ماجرای چندوجهی میرزامهدی

کرده‌ام مهم‌ترند، کدام‌ها حذف شوند هم لطمه‌ای نمی‌زند؛ یا اگر یک ماجرای واحد را چند نفر تعریف کرده‌اند، من بیشتر به کدام سمت غش کرده‌ام و... می‌بینید؟ پیچیده شد! اینجا بود که فهمیدم «واقعیت»، با تمام مختصات هندسی‌اش، دست‌نیافتنی است. می‌شود بهش نزدیک شد، می‌شود بهش وفاداری کرد اما ادعای وصال و دست‌یازیدن بهش...

اینطوری بود که از سواس واقعیت کوتاه آمدم و تکیه زدم به بنایی به اسم «مستندداستانی». بنایی که مواد و مصالحش از روایت‌های چندوجهی راویان می‌آمد، از نگاه من نویسنده عبور می‌کرد و با ملات توصیف و صحنه‌پردازی و... روی هم سوار می‌شد تا بالاخره جلوی چشم خواننده قد علم می‌کرد. بنایی که زندگی مهدی بود، فقط ادعایی نداشت که نور را تام و تمام به همه زوایا و کنج و گوشه‌های آن رسانده است.

ناگهان با ورود خواهرش، فاطمه، شیطنت‌هاش گل می‌کرد. بعد، همین آقامهدی پایه بوکس و جنگ بازی، با صحبت‌های آن یکی خواهرش، زهرا، راه می‌افتاد دنبال «من طلبی، وجدنی». حالا اینها مال توی خانه بود. وقتی رسیدیم به دوست‌ها و همکلاسی‌ها و بعد هم همزمانش، همین‌طور درهای جدید و تودرتو باز می‌شدند و باز می‌شدند و این البته خوشحال‌کننده بود. اما من از یک جایی فهمیدم که مهدی همه اینها هست و نیست.

دیدم هر کدام از راویان، با عینکی که دارد دنیا را باهاش می‌بیند، مهدی را هم دیده‌اند و این یک امر ناگزیر و خب البته از جهت چندصدایی، خوب است. دیدم در روایت راویان، پای حافظه هم در میان است و ناخودآگاهی که دست به انتخاب می‌زند و بعضی خاطره‌ها را کمرنگ می‌کند و بعضی را پررنگ و بعد دیدم که ای کاش فقط همین‌ها بود! نقطه اوج ماجرا اینجا بود که صافی‌های ذهن من هم، خواه‌ناخواه، در قصه دخیل بودند. این که یک خاطره را دقیقاً همان جور که راوی تعریف کرده، فهم کرده‌ام یا نه؛ از کدام‌ها بیشتر خوشم آمده، از کدام‌ها کمتر و اصلاً چرا؛ کدام‌ها را فکر

قرار بود زندگی نامه بنویسم. داستان زندگی کسی که طبق پیش‌فرض از زندگی نامه‌ها، پیرمرد یا پیرزنی سپیدمو نبود. برعکس، همان سالی متولد شده بود که خودم؛ و «خودم» آن موقع ۲۹ سالش بود. مهدی فقط، چهار پنج سال جلوتر، راهش را عمودی تغییر داده بود و برای همیشه ۲۵ ساله مانده بود. حالا من می‌خواستم قصه یک مهدی ۲۵ ساله را بنویسم که خب لابد خیلی راحت‌تر از قصه یک مهدی ۷۵ ساله، ۶۵ ساله یا اصلاً ۴۰ ساله بود. ولی زهی تصور باطل!

پیچ کار اینجا بود که من دوست داشتم مهدی را، ماجراهایش را، واقعی واقعی بنویسم. این عشق به واقعیت اما، «ولی افتاد مشکل‌ها» دنبال خودش ریشه کرده بود. آخر، مگر «واقعیت» شوخی بود؟ مگر به همین سادگی بود؟ شده بود عین ماهی‌ای که مدام از دستم سر می‌خورد و سر می‌خورد. مهدی آقا و مودبی که در مصاحبه با مادرش می‌شناختم،



مریم‌علی‌بخشی
نویسنده



الهام قاسمی
خبرنگار

کتاب «مباحثی پیرامون

عزاداری»، از نشر سوره، تألیف بهاءالدین قهرمانی‌نژاد است که بنابر گفته نویسنده تیمناً به نام خامس آل عبا در پنج بخش و در ۱۴ فصل نگاشته شده است. شناخت از تاریخ عزاداری در اسلام و ایران، آموزه‌ها و تأثیرات

عزاداری، تأکید بر آفات خرافه و تحریف‌های موجود و بررسی فتاوی علمای بیدار شیعه در باب عزاداری از اهداف مهم نویسنده در نگارش این اثر است. نویسنده در فصل نخست «تاریخچه»، ضمن بررسی سبک عزاداری در بین عرب جاهل قبل از اسلام، جلوه‌های مختلف عزاداری در زمان پیامبر را ذکر و به نحوه عزاداری خاندان آل عبا (ع) اشاره می‌کند. از مطالب مهم این بخش، بدعتی است که خلیفه دوم در منع گریه و عزاداری ایجاد می‌کند و گریه کردن بر مرده، خصوصاً در مورد زنان را حرام اعلام کرده و حتی از حضور ایشان در قبرستان و قبور شهدا جلوگیری می‌کند.

«کریلا» عنوان فصل دوم است که به جریان بیعت‌نامه یزید تا آغاز حرکت امام به کریلا اشاره دارد و به اهمیت پیام‌رسانی و شعارهای عاشورایی واقعه کریلا چه در حین جنگ با نوشتن جملات قصار روی قبرها و چه در وقت اسارت با

گفتن خطبه‌های آتشین توسط حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) می‌پردازد. نویسنده در پایان این فصل ضمن اشاره بر اشکواره‌ها و سوگواره‌ها، که اوج آنها در زیارت عاشورا و ناحیه مقدسه است، به موضوع برپایی

مجالس عزاداری توسط بازماندگان اهل بیت (ع) در سوگ شهدای کریلا پرداخته است. نگارنده در فصل سوم «ایرانیان و اهل بیت» ضمن اشاره به جذب شدن مسلمانان غیرعرب و برخورد آنها با اهل بیت، به قیام مختار ثقفی و قیام یحیی بن زید و همکاری خالصانه ایرانیان اشاره می‌کند و اولین سیاه‌پوشی ایرانیان را از نوحه‌خوانی بر یحیی می‌داند.

نویسنده با عنوان «مروری گذرا بر عزاداری در ایران» در فصل چهارم علاوه بر نمادهای عزاداری آل بویه از جمله نوحه‌خوانی، مقتل‌نویسی و در نتیجه پیدایش کتاب روضه‌الشهدا، به توسعه مراکز و شعائر دینی توسط شاهان صوفی اشاره کرده و عهد صفویه را اوج تعظیم شعائر دینی و شیعی می‌داند. همچنین با بیان باورهای دینی قوی مردمان عهد قاجار، در باب جنبش‌های تنباکو و مشروطیت و نقش مؤثر آنها در رواج اجتماعات مردم در تکایا و امامزاده‌ها و عزاداری بر سالار شهیدان توضیحاتی داده است. فصل آخر «آسیب‌شناسی» است که به تحریف‌های موجود در عزاداری واقعه کریلا (لفظی و معنوی) اشاره شده و نویسنده ضمن بیان نقش بنیادی روایت و تاریخ صحیح از وقایع مربوط به مصائب پیش‌آمده در زندگی پیشوایان و ذکر کتب مقتل به ترتیب زمانی، اولین کتاب مستقل در مقتل را «وقعه‌الطاف» می‌داند که موسوم به مقتل ابی‌مخنف است.



کتاب «قصه شیر و عقاب» نوشته صادق وفایی رونمایی و معرفی شد

ایرانی‌های مبتلا به سندرم استکهلم!

آمریکاست. اگر می‌خواستم در کتاب ناگفته‌ها را هم بیاورم، حجم زیادی پیدا می‌کرد و مثنوی هفتادمن کاغذ می‌شد. من که به واسطه علاقه به رمان پلیسی، خیلی دوست دارم قطعات معنادار پازل را کنار هم بچینم. اگر همین ارتباط‌ها را در نظر بگیریم، می‌توانیم نتیجه‌گیری‌های زیادی از تاریخ آمریکا داشته باشیم.

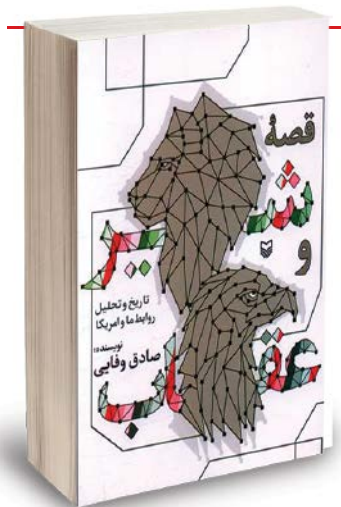
جالب است خود مردم آمریکا در مقابل این دروغ‌ها و آتش‌افروزی‌ها، ماجرای سندرم ویتنام را بروز می‌دهند. یعنی از جنگ و آدمکشی آمریکا در ویتنام برآشفته می‌شوند و اعتراض می‌کنند. در این طرف دنیا اما افرادی از ایران خودمان را داریم که مبتلا به سندرم استکهلم هستند و با چنین آمریکایی، همدردی و سمپاتی دارند.

گلعلی بابایی نیز در این نشست گفت: در «قصه شیر و عقاب» خوی وحشی‌گری آمریکا نشان داده شده و از رسانه به عنوان یکی از ابزارآلات این کشور در دنیای استعمار یاد شده است. این کتاب

آیین رونمایی و معرفی کتاب «قصه شیر و عقاب» نوشته صادق وفایی در فرهنگسرای رسانه برگزار شد. در این مراسم نویسنده کتاب گفت: وقتی واژه آمریکا به گوش من می‌خورد، اولین مفهومی که ذهنم احضار می‌کند، استعمار است.

همه ما می‌دانیم استعمار چیست. کشورهای غربی، کشورهای شرقی و آفریقایی را برای منافع خودشان به استثمار و بردگی کشاندند. این روایت رسمی ماجراست و برای آن روایت ناگفته، مخاطب و شنونده این حرف‌ها را به کتاب «یهودیان و حیات اقتصادی» نوشته ورنر سومبارت ارجاع می‌دهم؛ جامعه‌شناسی که امروز اگر اسمش را ببرید، شاید خیلی‌ها او را نشناسند و بگویند ماکس وبر پدر علم جامعه‌شناسی به شکل امروزی‌اش است و او نه. چرا ورنر سومبارت بایکوت شده؟ چون درباره یهودیان و حکومت جهانی یهود، کتاب علمی نوشته است.

وی افزود: قصه یهود و صهیونیسم یکی از لایه‌های پنهانی



یک کار ارزشمند است و حیفاست در کتابخانه بماند؛ چرا که محتوای بسیار خوبی برای ساخت سریال و فیلم مستند دارد که البته و متأسفانه، مستندسازی جزو حلقه‌های گمشده ما در حوزه فرهنگ است.

وی افزود: بحث ترجمه نیز بسیار مهم است. براساس تجربه چندباره‌ام در نمایشگاه‌های بین‌المللی می‌گویم که در این زمینه به شدت فقیریم. این کتاب به نوعی کیفرخواست ما علیه آمریکاست و علت بغض و کینه ما نسبت به آمریکا را نشان می‌دهد.

بنابراین قابلیت ترجمه هم دارد که اگر اتفاق بیفتد می‌توان گفت یک کار مهم را در حوزه کتاب و رسانه انجام دادیم. جملات بسیار زیادی در این کتاب برای آشکارسازی شخصیت ترامپ از فیلسوفان و نویسندگان آورده شده و خوی حیوانی و درندگی او در فصل سوم این کتاب آشکار شده است. در نهایت باید گفت این کتاب با استفاده از ۳۰ منبع که ۱۷ مورد آن ترجمه هستند، نوشته شده است.